

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1391/12/28



شرط طهارت از حدث و خبث در اذان و اقامه
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند که طهارت بدن و لباس در نماز واجب است اما در مقدمات و مؤخرات نماز واجب نیست. مصداقی برای مقدمات اذان و اقامه بود، گفته شد که در اذان طهارت از خبث لازم نیست و دلیل بر این مطلب نصوصی بود که ذکر شد دال بر اینکه طهارت از حدث هم لازم نیست فضلا عن الخبث اما در اقامه طهارت شرط است. يك اشکالی مطرح شده بود و آن این بود که گفته می شود اقامه جزء صلاه است و این جزئیت محقق است برای اینکه در نصوص آمده است که اقامه یعنی وارد شدن در نماز بنابراین باید حکم نماز را داشته باشد. صلاه احکامش طهارت از حدث و خبث هست که ظهور از موارد لا تعداد آمده.

روایت کلینی از امام صادق (ع) در لزوم طهارت در اقامه
محمد بن یعقوب شیخ کلینی روایتی نقل می کند که سند از اعتبار برخوردار است از امام صادق علیه السلام می فرماید: نماز را به پا داشتید باید اقامه نماز «وَلْيَتَمَكَّنْ فِي الْإِقَامَةِ كَمَا يَتَمَكَّنْ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ فَهُوَ فِي صَلَاةٍ» [1]
[2] در اقامه باید ایستاده باشی مثل قیام نماز کسی که اقامه شروع کند، آن در حقیقت در نماز است پس همان همان خصوصیات و احکامی که نماز دارد، اقامه هم خواهد داشت. یکی از احکام نماز ظهور بود و در اقامه باید ظهور محقق بشود.

نظر مرحوم خویی در روایت فوق

سید الاستاد می فرماید: این اشکال وارد نیست. برای اینکه این حدیث مدلول مطابقی ندارد بلکه مدلول التزامی دارد و آن این است که موقعی که در اقامه قرار گرفتید و در نماز هستید جایگاه اقامه را بیان می کند و مدلول مطابقی آن خلاف واقع است چون اقامه که صلاه نیست. مدلول التزامی اش یعنی از اهمیت بالا برخوردار است. گفته بودیم که فرق روایات اخلاقی و روایات دال بر احکام این بود که روایات اخلاقی مدلول مطابقی مراد نیست

و در حقيقت كنايه مي شود از شدت فضيلت اگر مستحب بود و شدت كراهت اگر مكروه بود. اينجا هم گفته مي شود كه در ضمن بيان احكام نكته اخلاقي بيان شده است كه از اقامه ورود در صلاه است و بايد اهميت آن را درك كنيم. اين جواب اولي بود كه سيد الاستاد [3] قدس الله نفسه الزكيه مي فرمايند.

روايت وسائل الشيعه در آغاز و انجام نماز

جواب دوم: در ابواب تكبيره الاحرام مراجعه كنيد در اين حديث آمده است از امام صادق قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «افْتَتَحُ الصَّلَاةَ الْوُضُوءُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ». بنابراین حدود صلاه مشخص شده است كه از تكبيره الاحرام وارد صلاه مي شويم.

سوال و جواب: ابتدا روايت كه گفته است افتتاح الصلاه الوضوء كه منظور از اين افتتاح وارد شدن در بدنه صلاه نيست و منظور از اين افتتاح اين است كه به سمت و سوي صلاه راه را باز كردن و مسير به سوي صلاه باز بشود بوسيله وضو است چون بعد فرمود تحریمها التكبير كه از آنجا مي شويد محرم براي صلاه و وارد صلاه مي شويد مثل آن احرام عمره. اين روايت از طريق ابناء عامه هم آمده است يعني وارد شده از طريق فريقين. اين فرمايش سيد قدس الله نفسه الزكيه تا اينجا.

تحقيق مطلب

اما تحقيق: در برابر عدم اشتراط طهور گفته مي شود كه طهور شرط باشد براي اذان و اقامه. براي اينكه اولا اذان و اقامه عبادت است و از عبادت هاي خيلي معروف و مشهور صحيحه محمد بن مسلم

در حدي كه گفته شده است در روايتي و سند آن هم درست كه اگر كسي اذان و اقامه بگويد و نمازش را با اذان و اقامه بخواند، ثوابش برابر است با ثواب نمازي كه به جماعت خوانده شده است كه روايت صحيحه يا معتبره محمد بن مسلم از امام صادق عليه السلام كه فرمود: «إِنَّكَ إِذَا أَدَّيْتَ وَ أَقَمْتَ صَلَّيْ خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» [4] اگر تو اذان و اقامه بگويي و مشغول نماز بشوي، پشت سر تو دو صف از ملائكه صف مي بندند و به تو اقتدا مي كنند.

صحيحه عبيد بن زراره از امام باقر (ع) (اذان عبادت است)

در روايت ديگر صحيحه زراره: عبيد بن زراره عن ابيه ما عبيد بن زراره هم صحيحه مي گوييم هرچند بعضي ها حسنه بگويند كه فرزند زراره است و درباره اش توثيق خاصي وجود نداشته باشد اما روايت نقل مي كند از پدرش و امامي هم هست و ممدوح هم هست كه مي شود حسنه. اما ما مي گوييم آنكه روايت از زراره نقل مي كند و روايت هم متعدد نقل مي كند و اين را اعتبار در حد كامل مي دانيم و مي گوييم صحيحه. در اين روايت آمده است از امام باقر عليه السلام: «إِنَّمَا الْأَذَانُ سُنَّةٌ» [5] پس اهميت اذان و عبادت بودن اذان كه امام فرموده است كه اذان سنت است.

قرينه تناسب حكم و موضوع مي گويد اذان هم بايد با طهارت باشد

پس از كه عبادت شد به معنای خاص يعني يك عبادت قطعي و سنت ديني و سنت بودن به طور قطع از روايت صحيحه استفاده شد كه نتيجه مي گيريم عبادت به معنای خاص به تناسب حكم و موضوع بايد با طهور باشد. به عبارت ديگر اذان عبادت داراي اهميت است و

براساس قرینه تناسب حکم و موضوع عبادت داراي اهمیت باید با طهارت باشد که قانون مسلم اصولی است و عقلایی شرعی است. پس این دو دلیل کمک کرد که اذان و اقامه عن طهور باشد.

سوال و جواب: فرق است بین عبادات عملی و عبادات قولی. در فقه که مراجعه کنید عبادات عملی وضو لازم ندارد اما عبادات قولی از صلاه و اجزای صلاه و مانند آن در شرع باید متطهر باشد مثل طواف و صلاه و اجزای منسیه صلاه. قرآن هم وضو مستحب است و بنابر قولی اسم پیامبر و ائمه لمس با دست و ذکرش با زبان بدون وضو جایز نیست.

ملحقات نماز طهارت می خواهد پس توابع نماز هم طهارت می خواهد دلیل سوم اذان و اقامه اگر از توابع نباشد، از ملحقات نماز است. ملحقات هم مثل توابع باید از احکام متبوع تبعیت بکند. دلیل اینکه از ملحقات می گوئیم این روایتی که که اقامه فی الصلاه است که فرمود: «إِذَا أَخَذَ فِي الْإِقَامَةِ فَهُوَ فِي صَلَاةٍ» یعنی ملحق به صلاه است. ما از باب الحاق که بگوئیم اقامه که تطهیر می طلبد و اضافه می کنیم که نصوصی دیروز خواندیم که دلالت داشتند که در اذان طهارت شرط نیست و در اقامه شرط است. بنابراین در اقامه وضو شرط بود و در این حدیث فرمود که اقامه ملحق به صلاه است و ملحقات شیء احکام آن شیء را دارد. در مورد اقامه مطلب کامل می شود که در اقامه باید عن طهور باشد. اما در مورد اذان، ملحق به اقامه است.

تفصیل در لزوم طهارت در اذان اعلامی و اذان نماز اذان دو نوع است: اذان اعلامی و اذان نماز. در اذان اعلامی که اعلان است مثل خبر رسانی است و وضو شرط نیست. لذا آن نصوصی که گفتیم که در اذان طهور شرط نیست محملش اذان اعلامی است. اما اذانی که در نماز باشد که با اقامه رابطه دارد یعنی مقدمه برای اقامه است با يك فاصله، در این اذان که جزء عبادات می شود و طهارت محمل دارد.

صحیح حلی در اهمیت اذان

دلیل بر این مطلب که سند صحیح است صحیح حلی که ابن ابی عمیر از حماد از حلی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که اگر اذان و اقامه را فراموش کردی «إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ نَسِيتَ أَنْ تُؤَدِّنَ وَ تُقِيمَ ثُمَّ ذَكَرْتَ قَبْلَ أَنْ تَرْكَعَ فَانْصَرِفْ وَ أَدِّنْ وَ أَقِمْ وَ اسْتَغْفِرِ الصَّلَاةَ» [6] اگر اقامه را فراموش کردید دوباره برگردید و اگر به رکوع نرفته اید نماز را بهم بزنید و اذان و اقامه بگوئید. که اهمیت تا به آنجا که نماز را اهمیت بدهد که این می شود اذان و اقامه خود نماز و اذان اعلامی دیگر نیست.

روایت ابوذر از رسول خدا (ص)

لذا حدیث دیگر مؤید بر این مطلب که شیخ طوسی این را در مجالس نقل می کند و روایت از ابی ذر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا كَانَ الْعَبْدُ فِي أَرْضٍ قِيٍّ يَغْنِي قَفْرَاءَ فَتَوَضَّأَ أَوْ تَيَمَّمَ ثُمَّ أَدَّنَ وَ أَقَامَ وَ صَلَّى أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فَصَفُّوا خَلْفَهُ صَفًّا لَا يُرَى طَرَفَاهُ» [7] یعنی آن جایی که اذان اعلامی نیست و تنهاست و اذان فقط برای نماز است. می فرماید: وضو بگیر یا آب نباشد تیمم کند و بعد از وضو اذان و اقامه بگوید نماز بخواند ملائکه پشت سر او صف می بندند و ته صف دیده نمی شود. اولاً این اذان اعلامی نیست و آن اذان های دیگر محمل پیدا می کند برای اذان اعلامی. اذان که اعلامی نباشد دستور آمده و این سنت شرع است و این جعل شرعی است و این خود عملیات شرعی است

که تَوَضُّو و اذن و اقام و صلي. پس در شرع اذان با طهور است. بعد از مطلب ديگر که سيره متشرعه از الان تا زمان معصوم بر اين است که بايد اذان نماز با وضو باشد و در زمان معصومين اين بود که سوالاتي که مي شود از اذاني که راکب است يعني اذان اعلامي است. سوالاتي که مي شود يك کسي اذان اعلام مي کند و وضو ندارد. سوالات محمل پيدا مي کند به اذان اعلامي.

اذان مستحب است پس وضو هم در آن مستحب است
بنابراين با اين شواهد و با اين ادله مي گوييم طهارت در اذان هم شرط است منتها هر امري که مستحب است طبيعتاً طهارتش هم مستحب خواهد بود. بنابراين در اذان و اقامه نتيجه اين اعلام مي شود که احتياط بر اين است که اذان بدون طهارت از حدث و طهارت از خبث نباشد و عملاً. وظيفه مصلين هم همين است که با طهارت از حدث و خبث وارد صلاه مي شود. اما وجوبش را تبعاً لسلفنا الصالح و تبعاً للمتن و لما أراه سيد الاستاد وجوب را براي طهارت در اذان اعلام نمي کنيم اما استحبابش بر اساس اين ادله و سيره ملتزم مي شويم. فتوا اين مي شود ان شاء الله که طهارت وجوباً شرط نيست اما استحباباً شرط است در اذان اما در اقامه احوط وجوبي است چون اقامه وصل به صلاه است لذا اگر بدن متطهر نباشد، وارد نماز نمي تواند بشود و اگر برود براي تطهير، اقامه باطل مي شود بنابراين عملاً در اقامه طهارت از حدث و خبث شرط است. لذا مي گوييم در اقامه همان طوري که سيد الحکيم فرموده است که محل اشکال است عدم اشتراط و ما مي گوييم اشتراطش احوط لزومي است ولي در اذان اشتراط طهارت احتياط استحبابي است.

طهارت در دعاي بعد از نماز

اما آنچه باقي ماند دعا در تعقيب نماز: آن دعائي که جزء تعقيبات شرط وجوبي نيست براساس زيادتي فرع بر اصل چون اصل دعا مستحب است که طهارت فرع او خواهد بود، مستحب خواهد بود و واجب نخواهد بود. (دعائي که در تعقيب نماز آمده است از اهميت فوق العاده اي برخوردار است. چند جا دعا مستجاب است يك جا تعقيب نماز مخصوصاً گفته مي شود که سلام آخر نماز را که گفتيد يك دعا مستجاب مي شود که ان شاء الله مواظبت بفرماييد.

صحيحه اعلايي زراره در تاکيد بر دعاي بعد از نماز از امام باقر (ع)

صحيحه زراره اين صحيحه از آن صحاح اعلايي است: شيخ كليني از علي بن ابراهيم عن ابيه عن حماد بن عيسي عن حريز عن زراره رضوان الله تعالى عليهم که همه از اجلاء و مشايخ عن الامام الباقر عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ» [8] در تفسير آيه «ان الذين يستكبرون عن عبادتي» اينها چه کساني هستند که از عبادت استکبار مي کنند و خضوع نمي کنند براي عبادت که امام فرمود: آن دعاست. يعني نعمتي خدا به ما داده که در اختيار ماست که اولين اثر آن عفو گناه است و جزء آثار عملي آن اين است که انسان به عذاب الهي گرفتار نمي شود. اگر اين نعمت را آدم از آن استفاده نکند، مشمول آيه مي شود که يستکبرون عن عبادتي که از عبادت من سر باز مي زنند.

تشبيه دعا به کيف اجابت

در روايت ديگر آمده است که آمده است که «الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ

الْمَطَرِ». [9] يعني دعا وسيله و زمينه گشايش كار است. همان طور كه ابر زمينه براي ريزش باران است. بعد هم در روايت ديگر آمده است كه «وَلَا تَمَلَّ مِنْ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ» [10]. شما فكر نكنيد كه دعا مدتي استمرار پيدا كرد و به اجابت نرسيد، يكي از جاهايي كه شيطان به سراغ آدم مي آيد كه دعايت مستجاب نشد، اينجا در ورودي شيطان است. همان مرحله كه تحمل كنيد اينجا مي فرمايد ملول نشويد و با اين عقیده كه خداوند عنايتش هست و حالا. تاخير شده ولي قطعاً اجابت مي شود و آن مرحله را كه گذرانديد به موفقيت مي رسيد ان شاء الله. از اميرالمؤمنين «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ بَابَ الدُّعَاءِ وَ يُغْلِقَ عَلَيْهِ بَابَ الْإِجَابَةِ» [11] مي فرمايد: خدا از شانس اين نيست كه دعا را باز بگذارد و در اجابت را ببندد.

دعا عين اجابت است

اين تجربه سلف صالح ما اين بوده كه توفيق به دعا وسيله و مسير نيست بلكه هدف است. حاجت قطعي است منتها ذهن ما اشتباه مي بيند، گاهي ما يك هدفي را قصد مي كنيم و تمام حواس ما طرف آن هدف است ولي بعد از دعا مدتي مي گذرد و مي بينيم از جاي ديگر يك رفاه ديگر حاصل شد كه از آن دعاست منتها ما غافلیم و ذهن وديد ما مختصر و محدود است. لذا در اين مي فرمايد در دعا باز بشود و در اجابت بسته باشد مگر مي شود؟ «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ» بگو چه پوشش مي دهد زندگي ات را اگر دعايت نبود.

دعای اصلي دعا براي فرج امام زمان (عج) است

يك دعايي كه اصلي باشد و هم پوشش مادي و معنوي بدهد دعا براي وجود و فرج آقا و ارباب عالم هستي است.

[1] 1. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 13 از ابواب اذان و اقامه ، حديث 12.

[2] 2. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 237 تا 239.

[3] 3. وسائل الشيعه ، جلد 1 ، باب 4 از ابواب تكبيره الاحرام ، حديث 10.

[4] 4. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 4 از ابواب اذان و اقامه ، حديث 2.

[5] 5. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 29 از ابواب اذان و اقامه ، حديث 1.

[6] 6. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 9 از ابواب اذان و اقامه ، حديث 3.

[7] 7. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 4 از ابواب اذان و اقامه ، حديث 9.

[8] 8. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 1 از ابواب دعاء ، حديث 1.

[9] 9. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 2 از ابواب دعاء ، حديث 5.

[10] 10. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 2 از ابواب دعاء ، حديث 11.

[11] 11. وسائل الشيعه ، جلد 4 ، باب 2 از ابواب دعاء ، حديث 12.